

تحلیل کیفیت زیستی در شهرهای کوچک استان گیلان با استفاده از مدل مشارکت سرمایه‌های اجتماعی

زهرا فنی^۱، ناصر شفیعی ثابت^۲، مهدی شیرکوند^{۳*}

^۱دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی تهران
^۲آستادیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
^۳دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران
تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۷

چکیده

در ارزیابی تحول نظام‌های شهری، کمتر به نظریه‌هایی همچون «تحلیل جایگاه سرمایه‌های اجتماعی» در بُعد کیفی آن توجه شده و یا در صورت بررسی، تحلیلی همه جانبه با بهره‌گیری از شاخص‌های اساسی پیرامون مفاهیم «سرمایه اجتماعی» و «کیفی» به ویژه در مورد شهرهای کوچک، مقیاس مد نظر نبوده است. از این رو هدف این پژوهش، ارزیابی کیفیت زندگی در شهرهای کوچک استان گیلان با تأکید بر شهرهای املش، ماسال، تالش، رضوانشهر، سیاهکل و فومن با رویکرد مشارکت در شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی است. روش انجام پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی، بررسی‌های میدانی و تحلیل‌های استراتژیک است. در نهایت با استفاده از الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک با SWOT، وزن‌دهی به هر کدام از متغیرها انجام و استراتژی مناسب بر اساس مطالعات فضایی ارائه شد. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین کلی ویژگی‌های کالبدی-فضایی در محدوده مورد مطالعه از نظر مدیران ۲،۸۴، از دید شهروندان برابر با ۲،۳۶ و از نظر کارشناسان شهری ۲،۴۱ است. همچنین، در بین شهروندان و کارشناسان شهری زیرشاخص‌های مشارکت (۲،۸۶) و فضاها (۲،۹۷) بیشترین امتیاز را به لحاظ شاخص‌های کیفیت زیستی دارند. به استناد ضریب همبستگی پیرسون برای شاخص‌های ارتقاء کیفیت زیستی و سرمایه‌های اجتماعی می‌توان گفت که بین این شاخص‌ها و مقیاس جمعیتی شهرهای مورد بررسی، ارتباط مثبتی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زیستی، مدل مشارکتی، برنامه‌ریزی استراتژیک، سرمایه اجتماعی، شهرهای کوچک، استان گیلان.

مقدمه و بیان مسئله

دگرگونی و تحول اساسی با توجه به مشارکت سرمایه‌های اجتماعی در ارتقاء کیفیت زیستی این فضاها مواجهه نموده است (حیدری، ۱۳۹۱). شاید بتوان گفت ورود نگرش سیستمی به شهر و منطقه، اهمیت مقایسه شهرها با یکدیگر در تفکر کل‌نگر و نیز مرتبط دانستن نقاط شهری موجود در منطقه‌ای همگن، به‌عنوان اجزای یک سیستم، منجر به ایجاد روش‌های کمی در طبقه‌بندی فضاها شهری شده بود (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)، موضوعی که نبود «تحلیل کیفی» در فضای شهری را به رخ برنامه‌ریزان شهری می‌کشید. در این میان، از دهه هفتاد میلادی به بعد، روند مطالعات توسعه شهری بیشتر به سوی عوامل کیفی معطوف شد و در این چرخش نظری، تمرکز خاصی بر مقوله شکل‌گیری و اثرات سرمایه

با گذر زمان، مؤلفه‌های زندگی شهری با تغییر مواجه‌اند و جمعیت آن نیز در حال افزایش است. رشد و تحولات انسانی در چارچوب مفاهیمی مانند سرمایه‌های اجتماعی و تأثیر آنها در زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در شهرها نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (Bell et al., 2006: 8). در این چارچوب، تحول در مورفولوژی انسانی و کالبدی شهر را می‌توان تابعی از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی، سیاسی، سیاست فضا و... دانست که در دوره‌های گوناگون زمانی بر حسب شرایط مختلف، اثرگذاری‌های متفاوتی بر فضاها شهری داشته و مفهوم فضای شهری را با

*نویسنده مسئول: shirkavand100@yahoo.com

توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی در فضای شهری ناهموار و دشوار می‌شود. انگاره جغرافیدانان در بررسی مقوله شهر و شهرنشینی، انگاره‌هایی نیست که فقط معطوف به کالبد زیستی شهر باشد، بلکه آن را علاوه بر پردازش کالبدی و پرداختن به کمیت‌های مادی آن، از جانب کیفیت‌های ارزشی و اخلاقی نیز بررسی می‌کنند. شهر به مثابه ارگانیک است که چه از لحاظ کالبدی و زیستی و چه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در هر دوره‌ای پیچیده‌تری شود و به نقطه آرمانی خود یعنی تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی ازسویی و ازسوی دیگر به انتظام ساختارهای فضای شهری و شکل‌گیری کالبدی متناسب با نیازهای زیستی شهر نزدیکتر می‌شود (Rubenstein, 2010). در سال‌های اخیر تغییرات کیفیت زیستی و تحولات فضایی شهرها آن چنان سریع و شتاب‌آلود عمل کرده است که پس از اندک مدتی، اکنون شهرهای کشور نه تنها توانایی حفظ ویژگی‌های سنتی و اصیل خود را ندارند؛ بلکه اصول تازه و علمی نیز بر کالبد و رشد آینده آنها حکمفرما نیست. این مطلب را دیویدهاروی با عنوان «دیالکتیک فرآیندهای شهری در چارچوب شاخص‌های فضایی یا همان تحول کیفی فضای سکونتگاه» مطرح کرده است (Gill, 2002)؛ لذا در این پژوهش، با تأکید بر ارتباط میان کیفیت زندگی (بعنوان متغیر وابسته) و سرمایه اجتماعی و مقیاس شهر به‌عنوان دو متغیر مستقل، بطور برجسته‌ای به ارزیابی و تحلیل نظری و تجربی نقش این ارتباط در درون ساختار و مقیاس کوچک شهری پرداخته شده است. بررسی‌های اولیه برای انجام پژوهش حاضر نشان داد که شهرهای مورد مطالعه در استان گیلان از لحاظ وضعیت استانداردهای زیستی و اثرات نهادسازی‌های اجتماعی، همیاری‌ها و حرکت‌های خودجوش محلی در زمینه رفع نیازهای اساسی و بهبود شرایط عمومی ساکنان، در دوجنبه عینی و ذهنی زندگی، نمونه‌های مناسبی برای بررسی‌های علمی در چارچوب این پژوهش هستند.

اجتماعی در توسعه شهری پدید آمد. از این‌رو، «لوری»^۱ برای اولین بار در همین دهه (۱۹۷۰) اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهرها بکار برد (سعادت، ۱۳۸۵). از منظر وی، سرمایه اجتماعی، نتیجه انباشت منابع بالفعل یا بالقوه مربوط به مالکیت یک شبکه پایدار از روابط کما بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه (در اینجا فضای شهری) ایجاد می‌شود (Bourdieu, 1985). اندیشمند دیگری در تبیین مفهوم و اهمیت سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی انسانی معتقد است که سرمایه اجتماعی با تأکید بر ارتباطات و مشارکت اعضای جامعه یا گروه، به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی عمل می‌کند (Field, 2003: 15). امروزه هدف مشترک توسعه در سطوح محلی، ملی و جهانی، بهبود کیفیت زیستی است و آینده زندگی بشر متکی بر درک عواملی است که بر کیفیت زندگی انسان تأثیر گذارند؛ بخشی از این عوامل مربوط به کیفیت روابط ما با سایرین، گروه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی در سطح فضای شهری می‌شود که از آنها تحت عنوان سرمایه اجتماعی، به‌عنوان حلقه مفقوده توسعه و عوامل فضایی در شهر یاد می‌شود (ر. ش به: خوشفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲ و براتی و یزدان‌پناه، ۱۳۹۰: ۱۲)؛ موضوعی که در شهرهای کوچک مقیاس و میانی در ایران، کمتر پردازش شده و یا مورد تأکید بوده است (فنی و باقری، ۱۳۹۴). ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به برنامه‌ریزی شهری منوط به درک نحوه تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف برنامه‌ریزی شهری و به‌طور کلی شهر است. امروزه سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفاء می‌کند و شبکه‌های روابط میان انسان‌ها و سازمان‌ها را شکل می‌دهد. در فضای شهری، در غیاب سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثر بخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های

مبانی نظری

وقتی که در چارچوب مطالعات و سیاست‌های توسعه‌ای، به نقش و اهمیت کارکردی شهرهای کوچک در کاهش مشکلات شهرهای میانی و بزرگ و از این رو، دستیابی توسعه یکپارچه ملی - منطقه‌ای می‌پردازیم (ر.ش به: فنی. ز. ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳)، متوجه می‌شویم این شهرها هم همانند سایر سکونتگاههای انسانی در طول زمان، متأثر از عوامل و نیروهای فضا ساز در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون هستند (دیوسالار و همکاران، ۱۳۹۳ الف: ۸۰). همچنین این شهرها با ویژگی‌های منحصربفرد خود به بهبود شرایط زندگی مردم و محیط زیست بیشتر از شهرهای بزرگ کمک می‌کنند (Bell et al., 2006). دیوسالار و همکاران در پژوهش تازه دیگری به اهمیت تدوین چارچوب مشخصی برای شاخص سازی توسعه پایدار در شهرهای کوچک پرداخته‌اند که یکی از جنبه‌های مهم این شاخص‌ها، تشکیل سرمایه‌های اجتماعی است (دیوسالار و همکاران، ۱۳۹۳ ب: ۲۲). چراکه فوکویاما^۱ پیشتر معتقد بود سنجش سرمایه اجتماعی به دلیل بُعد کیفیتی آن مشکلات و به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به مثابه ارزشی مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود برخی از پدیده‌های اجتماعی با روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (موسایی و همکاران، ۱۳۸۷). پاتنام^۲ در آثار خود مدعی است که عملکرد اقتصادی - اجتماعی در جوامع پایدار به مراتب قوی‌تر از جوامع غیر پیوسته است؛ بنابراین شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به معنای انسجام و اعتماد بین شبکه‌های بستر ساز افزایش کارایی‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد بود (Putnam, 2000). وی در بررسی مناطقی از ایتالیا قبل و بعد از اصلاحات منطقه‌ای در دهه ۱۹۷۰، به این نتیجه رسید که سطح بالای سرمایه اجتماعی نواحی شمالی در دوره‌های مختلف، زمینه‌ساز توسعه یافتگی بیشتر آنها بوده است (حسنوی و پزشکان، ۱۳۸۶). پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه

پایدار محله‌ای» انجام گرفت که نشان داد، به سبب معناداری یا نزدیک به معنادار بودن ارتباط بین برخی از متغیرهای سرمایه اجتماعی با پایداری، توجه به مفهوم ذهنی سرمایه اجتماعی شرط انکار ناپذیر تحقق مفهوم عینی پایداری است و ارتباط سرمایه اجتماعی با پایداری شهری قابل تأیید است (ر.ش به: خاکپور و همکاران، ۱۳۸۵؛ خوشفر و همکاران، ۱۳۹۲).

امروزه نقش سرمایه اجتماعی از سرمایه فیزیکی و انسانی درسازماندهی جوامع بسیارمهم‌تر است و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی به رابطه میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها انسجام می‌بخشند (Ayres, H. 2010). در صورت عدم وجود سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثر بخشی خود را از دست می‌دهند و پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شود (ر.ش به: الوانی و شیروانی، ۱۳۸۰). نوشته‌اند که قبل از سال ۱۹۱۶ هانی فان^۳، در مقاله‌ای به مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره کرد اما جین جیکوبز^۴ در اثر کلاسیک خود با عنوان «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» (۱۹۱۶) برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای دوستانه غیررسمی در کلان‌شهرهای جدید از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرد. در دهه ۱۹۷۰ گلن لوری^۵، اقتصاددان، برای مشخص نمودن دلایل عدم دسترسی آمریکایی‌های آفریقایی تبار به پیوندهای اجتماعی وسیع، به منزله یکی از موزیانه‌ترین میراث‌های برده‌داری و تبعیض نژادی، از این اصطلاح بهره برد (ر.ش به: Wallis and Killerby, 2004). از این رو، مفهوم سرمایه اجتماعی به طور غیرمستقیم در نظریه‌های برنامه‌ریزان و جامعه‌شناسان کلاسیکی چون کویل^۶ (۱۸۳۱) و دورکیم^۷ (۱۹۳۳) مطرح شده است. این مفهوم را می‌توان در آثار کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی، انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. اینان کیفیت روابط انسانی و

3. Honey Fan

4. Jane Jacobs

5. Glen Laurie

6. Koueil, T.

7. Dorkhim, E.

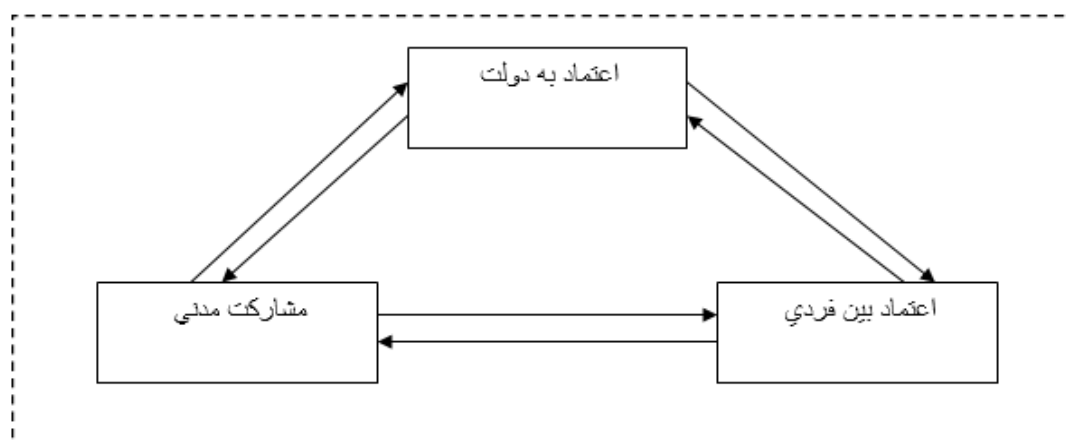
1. Fukuyama

2. Putnam

اندیشمندان پاتنام (۱۹۹۳) و کلمن (۱۹۹۰) مطرح شده که معتقدند سرمایه اجتماعی به منزله دارایی جوامع است به طوری که مشارکت بیشتر در جامعه منجر به شبکه محکم تری از تعاملات اجتماعی و اعتماد بیشتر به یکدیگر می شود، اما همان اثرات باید در همه افرادی که در آن جوامع زندگی می کنند، قابل مشاهده باشد. یعنی سرمایه اجتماعی به صورت یک رابطه دوجانبه محکم، بین سطوح مشارکت مدنی و اعتماد بین فردی، خود را نشان می دهد؛ به طوری که هر چه مشارکت شهروندان در جوامع شان بیشتر باشد، آن ها بیشتر می آموزند تا به همدیگر اعتماد کنند و هر چه اعتماد بین آن ها بیشتر باشد، احتمال مشارکت آنها در امور جوامع خود بیشتر می شود و همچنین افرادی که به یکدیگر اعتماد می کنند به نهادهای دولتی نیز اعتماد بیشتری دارند. آن ها این مدل را مدل ساختاری سرمایه اجتماعی، نام نهاده اند و به صورت زیر آن را نشان می دهند (Brehn and Rahn, 1997).

بیوستگی آن با ارزش های مشترک را بررسی می کردند.

در این میان، الگوهایی برای تبیین سرمایه اجتماعی ظهور نموده اند. در الگوی اول، محققان بر جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی تأکید می نمایند و تمایل دارند تا این پدیده را در سطح کلان مطالعه و بر ماهیت ثانویه مزایای فردی آن تأکید کنند. به علاوه، آنها معتقدند که نتایج ناشی از اعمال افراد که در ارتقای سرمایه اجتماعی، مؤثر است به طور مستقیم به کل واحد اجتماع سود رسانده و مزیت های ناشی از آن به طور غیرمستقیم به افراد برمی گردد. الگوی دیگر که توسط برخی دیگر مورد استفاده قرار گرفته، مدل منفعت شخصی از سرمایه اجتماعی است. مدل منفعت شخصی در سطوح تحلیل فردی، گروهی و حتی صنعتی و سازمانی نیز به کار رفته اما تمرکز بر نتایج حاصل برای اشخاص یا واحد فردی است. مدل سوم برای تبیین سرمایه اجتماعی توسط دو تن از



شکل ۱: مدل ساختاری سرمایه اجتماعی

-عوامل فیزیکی: عبارتند از ازدحام جمعیت، تراکم مسکونی، حمل و نقل شهری، ساختار فیزیکی، دسترسی های مناسب، هویت، تنوع محیطی، سیمای طبیعی قوی، میزان جزئیات قابل درک، پیچیدگی، بافت شهری، تعادل بین پیچیدگی و سادگی، آسایش، فشار، سر و صدا، ایمنی؛

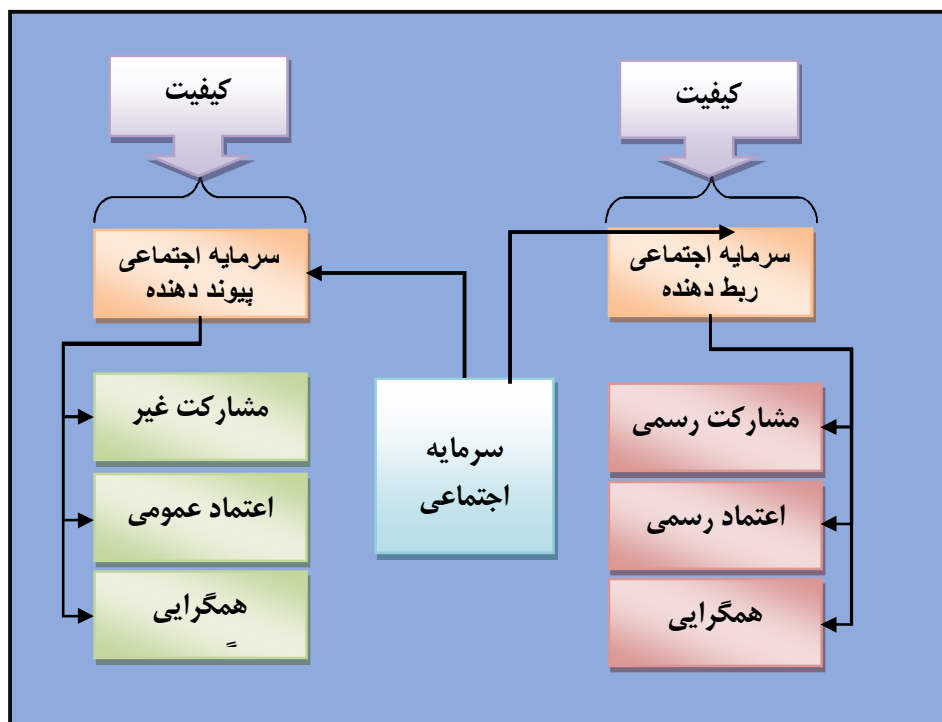
رفعیان با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه کیفیت محیط شهری، عوامل تعیین کننده ای را در چهار قالب ذیل مطرح کرده است:

-عوامل اقتصادی شهر: این عوامل می تواند درآمد خانوار، تأمین مواد غذایی، کارایی، عملکرد افراد، هزینه های شهری، امنیت شغلی، موقعیت اقتصادی، نبودن انحصار اقتصادی و...;

محیط را شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های رفتاری می‌داند که طبق آن ممکن است عملی رخ داده یا نداده باشد. بر این اساس اعتقاد به جبرگرایی، وقتی که مردم آزاده عمل می‌کنند در واقع تحت کنترل محیط است. جبرگرایی محیط، شاخه‌ای از نظریه تکامل می‌باشد که محیط را تعیین کننده اصلی رفتار انسانی می‌داند. رویکرد احتمال‌گرایی به عدم قطعیت نظام وقوع رفتارهای انسان و محیط عمل طراحان معتقد است ولی فرض می‌کند که اساس رفتار انسان متغیر است (لنگ، ۱۳۸۱). در این راستا مدلی به صورت شکل (۲) قابل ارائه خواهد بود.

عوامل اجتماعی و فرهنگی: مانند سن، جنس، نژاد، مذهب، فشارهای روانی، خشونت، دزدی، ترس، فقر، انحرافات، بیماری‌های مسری و آلودگی محیط زیست؛ عوامل سیاسی: عبارتند از توزیع عادلانه ثروت درون شهری، متعهد بودن نسبت به نظام سیاسی و قانونی، عدالت (ر. ش به: رفیعیان، ۱۳۸۶).

در رویکرد اختیاری اعتقاد بر این است که محیط شهری هیچ تأثیری بر رفتار انسان ندارد و با توجه به بعضی محدودیت‌ها برای رفتار انسان این رویکرد قابل دفاع نیست. امکان‌گرایان محیط شهری را تأمین کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌دانند. این رویکرد



شکل ۲: مدل مفهومی ارتباطی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهرها (ماخذ: نگارندگان).

مشارکتی بهتر برای سرمایه‌های اجتماعی، ارتقاء شاخص‌های کیفی زیستی، سبب بهبود اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر روی کیفیت زیستی این شهرها می‌شوند.

❖ بین مقیاس شهری در شهرهای مورد مطالعه و متغیرهای اعتماد، مشارکت، شبکه‌های اجتماعی و دولتی ارتباط مستقیم و موثری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

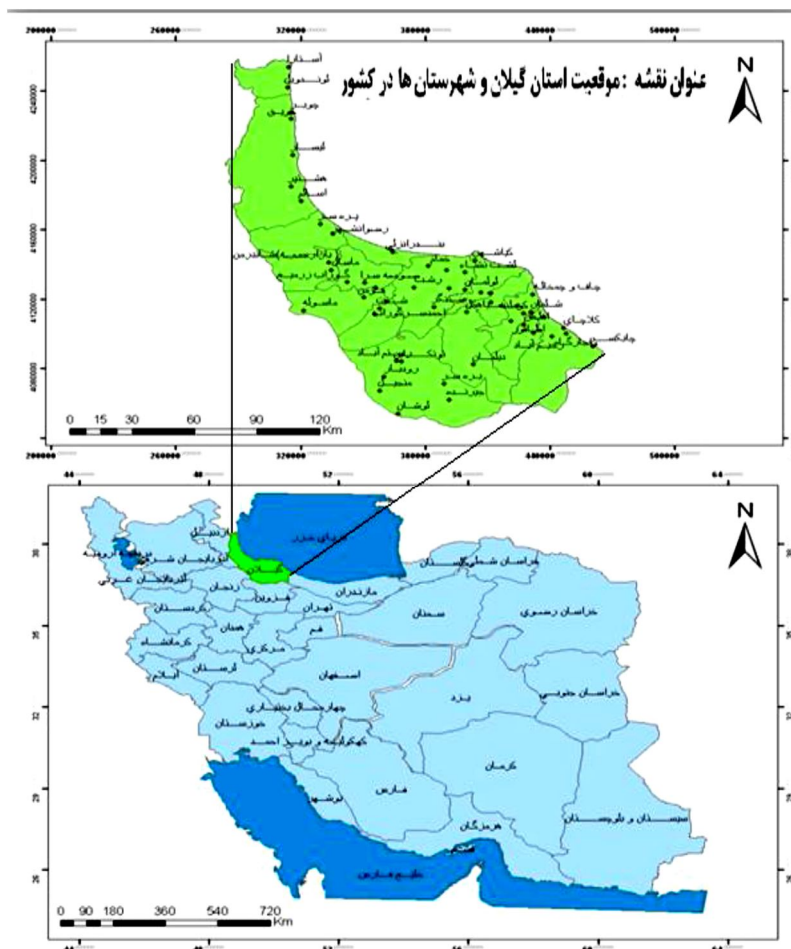
در راستای عنوان تحقیق، فرضیه‌های پژوهش به صورت ذیل قابل ارائه خواهد بود:

- ❖ در شهرهای کوچک مورد مطالعه، بین شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی با متغیرهای کیفیت زیستی ارتباط مستقیم و مهمی دارد.
- ❖ نهادهای مدیریتی و اداری از طریق تدوین قوانین

محدوده مورد مطالعه

استان گیلان، از استان‌های ساحلی شمال ایران با مساحت ۱۴۷۱۱ کیلومترمربع، از شمال به دریای خزر و کشورهای آسیای میانه، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان‌های زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود است. این استان، بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۱، استان گیلان

دارای ۵۲ شهر، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان و ۲۹۱۶ آبادی (۲۵۸۳ آبادی دارای سکنه و ۳۳۳ آبادی خالی از سکنه) است. در این پژوهش از میان ۱۶ شهر کوچک (کمتر از ۵۰ هزار نفری) استان، شش شهر املش، سیاهکل، فومن، ماسال، رضوان‌شهر و تالش بررسی شده‌اند.



شکل ۳: موقعیت و محدوده شهرهای مورد مطالعه (مقیاس ۱:۵۰۰۰۰).

با توجه به جدول (۱) استان گیلان، دارای ۷۷۷۶۸۴ خانوار در قالب ۲۴۸۰۸۷۴ نفر است. در این میان، شش شهر مورد مطالعه به ترتیب: تالش ۴۰۷۲۶ نفر و ۱۳۱۳۱ خانوار (بُعد خانوار، ۳،۱)؛ رضوان‌شهر ۱۵۲۶۷ نفر و ۴۵۹۲ خانوار (بُعد خانوار، ۳،۳) و املش

۱۴۹۱۵ نفر و ۴۷۱۸ خانوار (بُعد خانوار، ۳،۲) دارای بازه‌های جمعیتی متفاوتی هستند؛ همچنین ماسال کمترین بُعد خانوار (۴۳۹۴) و تالش دارای بیشترین بُعد خانوار بوده است.

جدول ۱: تعداد و بعد خانوار در استان و شهرهای کوچک گیلان

خصوصیات استان و شهرهای کوچک	جمعیت (نفر)	تعداد خانوار	بعد خانوار
استان گیلان	۲۴۸۰۸۷۴	۷۷۷۶۸۴	۳,۲
املش	۱۴۹۱۵	۴۷۱۸	۳,۲
تالش	۴۰۷۲۶	۱۳۱۳۱	۳,۱
رضوانشهر	۱۵۲۶۷	۴۵۹۲	۳,۳
سیاهکل	۱۸۱۷۶	۵۶۴۵	۳,۲
فومن	۳۰۶۰۸	۹۳۳۲	۳,۳
ماسال	۱۴۶۸۹	۴۳۹۴	۳,۳

منبع: نتایج آمارگیری جمعیت استان گیلان

https://www.amar.org.ir/Portals/0/OST_INFO/01/amarnameh-01-91.pdf

جدول ۲: اداره یا سازمان‌های مربوطه در بخش مدیران و کارشناسان شهری

اداره یا سازمان مربوطه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سازمان پدافند غیرعامل	۲	۹,۵۲	۹,۵۲
شهرداری و شورای شهر	۴	۱۹,۰۴	۲۸,۵۶
مراکز علمی و پژوهشی	۵	۲۳,۸۰	۵۲,۳۶
مراکز دانشگاهی	۱۰	۴۷,۶۱	۱۰۰
جمع	۲۱	---	---
اظهار نشده	---	---	---
جمع	۲۱	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

روش تحقیق

جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به دو روش کتابخانه‌ای- اسنادی و میدانی انجام گرفت و در بررسی‌های میدانی از روش‌هایی مانند مشاهده و تکمیل پرسشنامه، بویژه براساس شاخص‌های کیفیت زیست، مدل سرمایه اجتماعی و مقیاس جمعیتی برای شهرهای مورد مطالعه استفاده شد (شکل ۴). در این قسمت با تقسیم پژوهش به حوزه‌های مختلف، ضمن مشخص نمودن عناوین اصلی گردآوری اطلاعات لازم، به طبقه‌بندی زیرمجموعه‌های هر کدام از موارد اقدام شد. در ادامه، با مشخص نمودن مراحل مختلف تحقیق، متغیرهای خاص تعریف و اطلاعات لازم برای تحلیل هر کدام از شاخص‌ها گردآوری شد. داده‌ها در دو سطح توصیفی- تحلیلی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در مرحله توصیفی داده‌های کلی بدست آمده از محدوده مورد مطالعه مورد تحلیل واریانس چندمتغیره قرار گرفته، در تجزیه و تحلیل‌ها، از شاخص‌های سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی مطابق

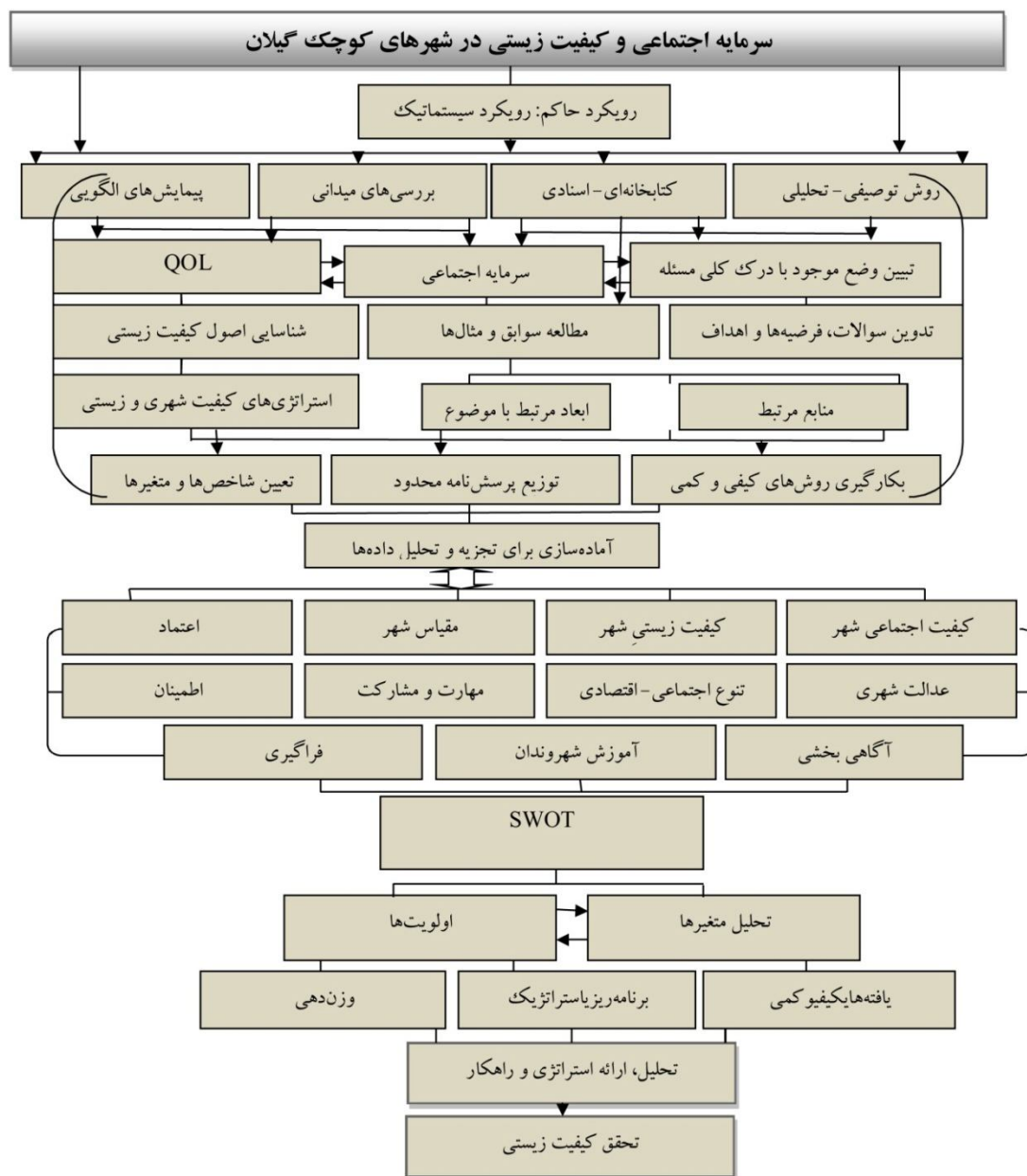
شکل (۴) استفاده شده است. در بخش کارشناسان و مدیران شهری تعداد ۲۱ پرسشنامه^۱ و در بین شهرنشینان بین ۱۸ تا ۶۵ سال این شهرها، ۳۰۰ پرسشنامه (براساس فرمول کوکران) توزیع شد. در مرحله توزیع پرسشنامه، با استفاده از طیف لیکرت (توصیفی) محله‌هایی به شیوه تصادفی از بین محلات شهر انتخاب و پرسشنامه‌ها تکمیل شد. از مجموع ۲۱ پرسشنامه کارشناسان و مدیران، ۸۱/۳ درصد از پاسخگویان پاسخ دادند که از این تعداد، ۱۹,۰۴ درصد از پاسخ دهندگان اعضای شورای شهر بوده‌اند، ۹,۵۲ درصد در حوزه سازمان پدافند غیرعامل و ۷۱,۴۴ درصد از پاسخ دهندگان را نیز سایر ادارات و سازمان‌ها تشکیل داده‌اند (جدول ۲).

در نهایت با استفاده از الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک با SWOT، هر کدام از متغیرها وزن دهی شدند و استراتژی مناسب با توجه به مجموع اوزان

۱. برای تدقیق بیشتر پرسشنامه‌های مدیران از کارشناسان شهری در بخش محاسبات و تحلیل‌ها تفکیک شده اند.

می‌دهد) و نتایج آن در قسمت تحلیل یافته‌ها ارائه شده است.

بدست آمده بر اساس مطالعات فضایی ارائه شد (شکل ۴ ضمن تشریح مفاهیم و رویکرد کلی پژوهش، روند دستیابی به مدل سوات و خروجی‌های آن را نیز نشان



شکل ۴: رویکرد کلی و مدل مفهومی در گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش (ماخذ: نگارندگان).

تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این پژوهش به منظور سنجش این مقادیر، اعداد بدست آمده رقم‌های ۰,۵۰۶، ۰,۶۰۸، ۰,۶۳۴ و ۰,۵۱۴ را نشان می‌دهد که این تأیید می‌کند نمونه‌گیری انجام شده در سطح بالا، مناسب و علمی بوده است.

تحلیل عوامل و معناداری نمونه‌گیری

در طراحی پرسش‌نامه برای سنجش ضریب و تحلیل عوامل مختلف، بایستی نمونه‌گیری از کفایت و کیفیت مناسبی برخوردار باشد، در غیر این صورت نمونه انجام شده صحیح نبوده و کل نتایج تحقیق را

جدول ۳: شاخص کفایت نمونه گیری KMO

مقدار شاخص KMO	ویژگی‌های مورد مطالعه
۰,۵۰۶	ویژگی‌های کالبدی-فضایی
۰,۶۰۸	ویژگی‌های عملکردی-ساختاری
۰,۶۳۴	ویژگی‌های محتوایی (اجتماعی-فرهنگی و محیطی)
۰,۵۱۴	کیفیت محیط سکونتی

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

شاخص‌ها و یافته‌های پژوهش

به منظور سنجش کیفیت محیط زیستی در شهرهای کوچک مورد مطالعه، با تاکید بر سرمایه‌های اجتماعی، آزمون‌های تحلیلی در دو سطح شاخص‌های متقابل صورت گرفت و نتایج حاصل و در ادامه بررسی شد. در شهرهای املش، تالش، رضوانشهر، سیاهکل، فومن و ماسال، سه شاخص فضاها و بناها، سازمان دسترسی و راه‌ها و فضاهای عمومی و سبز مربوط به ویژگی‌های کالبدی-فضایی، چهار شاخص خدمات رفاه اجتماعی، خدمات تفریحی، خدمات تجاری و خدمات دسترسی و حمل و نقل مربوط به ویژگی‌های عملکردی-ساختاری و پنج شاخص روند زندگی، سلامت محیطی، هزینه‌های نگهداری و مراقبت، مردم و روابط اجتماعی و احساس تعلق به مکان مربوط به ویژگی‌های محتوایی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه نیز، شاخص‌های سرمایه

اجتماعی و اثرگذاری آنها بر عناصر کیفیت زیست شهری تحلیل و اولویت‌بندی لازم ارائه شدند.

ویژگی‌های کیفی کالبدی-فضایی شهرهای مورد مطالعه: با توجه به پاسخ‌ها می‌توان نتیجه گرفت که به نظر شهروندان و نخبگان در اجرای طرح‌های شهری توجه لازم به کیفیت ویژگی‌های کالبدی-فضایی وجود ندارد؛ همچنین گروه توسعه شهری را در صورت فراهم شدن شرایط لازم جهت مشارکت در اجرای طرح‌های کیفی نشان داده‌اند. در حالت کلی فقط میانگین پاسخ‌های مدیران بالاتر از میانگین کلی پرسشنامه (۲,۵) است. شهروندان در صورت فراهم شدن شرایط لازم، اشتیاق فراوانی به مشارکت در شهر دارند. آنها این تمایل را در سنجش گویه «تمایل به کمک به مسئولان در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری» نشان دادند. از منظر شهروندان مشارکت امتیاز ۲,۷۷ و از منظر نخبگان شهری ۲,۴۰ را بدست داده است.

جدول ۴: مشخصات آمار بویژگی‌های کیفی کالبدی-فضایی

شاخص‌ها	آماره		
	میانگین	میان	واریانس
کیفیت فضاها و بناها	۲,۸	۲,۸۶	۰,۲۷
کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها	۳,۳	۳,۳۸	۰,۵۲
کیفیت فضاهای عمومی و سبز	۲,۲۴	۲,۲	۰,۷۳
کیفیت کالبدی-فضایی	۲,۷۸	۲,۷۶	۰,۲۶

همان‌طور که مشاهده می‌شود، به وضوح کیفیت فضاهای عمومی و سبز در پایین‌ترین سطح نسبت به ۲ ویژگی دیگر قرار دارد و در مقابل کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها در سطح بسیار بالاتری از ۲ تای دیگر قرار گرفته است.

ویژگی‌های کیفی عملکردی-ساختاری شهرهای مورد مطالعه: چهار شاخص رفاه اجتماعی، خدمات تفریحی، خدمات تجاری و خدمات دسترسی و حمل و نقل ویژگی‌های عملکردی-ساختاری را تشکیل می‌دهند. بررسی توصیفی نشان می‌دهد که کیفیت خدمات تفریحی پایینترین میانگین و کیفیت خدمات

فرهنگی و محیطی): روند زندگی، سلامت محیطی، کیفیت هزینه‌های نگهداری و مراقبت، کیفیت مردم و روابط اجتماعی، احساسات علقه مکان شاخص‌های سازنده ویژگی‌های محتوایی هستند. بررسی‌های این پژوهش نشان داد که هیچکدام از این شاخص‌ها از میانه نظری بالاتر و یا مساوی آن نیستند. بالاترین کیفیت مربوط به روابط اجتماعی و پایین‌ترین کیفیت به سلامت محیطی بر می‌گردد. با توجه به شکل (۵) می‌توان دریافت که از منظر مدیران میانگین کلی (۳,۸۴) بوده است. در حالی که ضریب اختصاص یافته به این اصل از سوی کارشناسان و شهروندان به ترتیب (۲,۵) و (۲,۳۵) بوده است. در شاخص سلامت محیطی کمترین ضریب مربوط به کارشناسان شهری (۲) بوده است و بعد از آن شهروندان به این مورد امتیاز متوسط (۲,۰۴) و مدیران امتیاز عالی (۲,۶۸) داده‌اند. در ارتباط با شاخص روابط اجتماعی، شهروندان کمترین ضریب (۱,۶۸) را در قیاس با مدیران (۲,۶۸) و کارشناسان (۲,۵) در نظر گرفته‌اند. وجود شکاف اطلاعاتی میان سه گروه شهروندان، کارشناسان و مدیران، تجربه‌های با ارزش مدیریتی، انتظارات برآورده نشده شهروندان از آن دو گروه شهری، تعاریف متفاوت از سطح مطلوبیت هر کدام از شاخص‌های مورد بررسی و مشکلاتی از این قبیل، مهمترین دلایل در تفاوت‌های ضرایب در جداول و اشکال هستند.

رفاه اجتماعی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. هر چند که هیچکدام از میانگین‌ها از میانه نظری بالاتر نیست و به عبارت دیگر، دارای کیفیت نیستند. میانگین کلی کیفیت خدمات اجتماعی، از منظر نخبگان و مسئولان شهری بالاترین ضریب را به خود اختصاص داده است (۲,۸۵). حال آنکه از نگاه شهروندان محدوده مورد مطالعه ضریب ۲,۷۸ به این میانگین کلی اختصاص یافته است؛ همچنین در بحث کیفیت زیرساخت‌های تجاری و شاخص‌های آن به ترتیب شهروندان با (۳,۱۵)، کارشناسان با (۳,۱) و مسئولین با (۲,۸۴) از آن به‌عنوان مهمترین تا کم اهمیت‌ترین عامل یاد کرده‌اند. این نشان از اهمیت بالای زیرساخت‌های تجاری و شاخص‌های آن برای شهروندان بوده است. کیفیت خدمات دسترسی با کسب ضریب (۲,۹۶) از نظر شهروندان، نشان از اهمیت مهم مسائل مالی در اجرای طرح‌های توسعه شهری برای جلب مشارکت شهروندان دارد که لازمه آن تغییر نگاه مالی به دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی در شهر به عنوان برانگیزاننده مشارکت است. از نظر مسئولین زیرساخت آموزشی در رده‌های بعدی اهمیت با ضریب (۲,۷۶) قرار داشته است، در حالی که میانگین اکتسابی این شاخص با زیر مجموعه‌های آن از منظر نخبگان و شهروندان به ترتیب (۲,۶۵) و (۲,۶۱) بوده است.

ویژگی‌های محتوایی (اجتماعی) -

جدول ۵: مشخصات و میانگین‌های آمار بویژگی‌های کیفی محتوایی

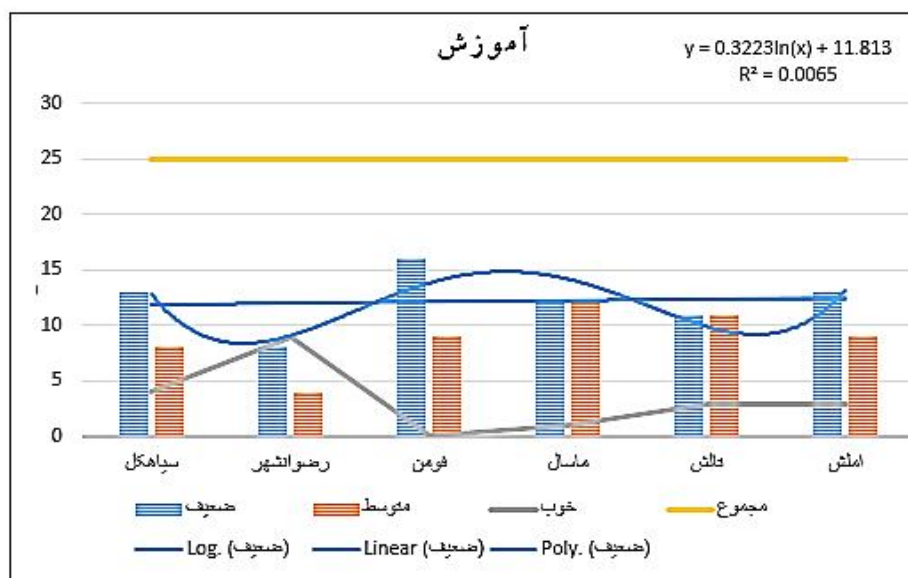
شاخص‌ها	آماره		
	میانگین	میانه	واریانس
کیفیت روند زندگی	۲,۶	۲,۶	۰,۲۵
کیفیت سلامت محیطی	۲,۱۵	۲,۰۶	۰,۳۷
هزینه‌های نگهداری و مراقبت	۲,۵۲	۲,۵	۰,۳۴
کیفیت روابط اجتماعی	۲,۷۸	۲,۸	۰,۲۲
احساس تعلق به مکان	۲,۵	۲,۵	۱,۳
کیفیت محتوایی	۲,۵۱	۲,۵	۰,۱۱

گروه‌های اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه، فعالیت‌های مذهبی، تأثیرگذاری در امور شهر و اطلاع از اداره امور

عملکرد شاخص آموزش در کیفیت زندگی شهرهای مورد مطالعه: این معیار شامل عضویت در

شهر است. نتایج نشان می‌دهد که در این شاخص، رضوانشهر با ۱۵۲۶۷ نفر جمعیت در وضعیت خوب و شهر فومن با ۳۰۶۰۸ نفر در وضعیت ضعیف از لحاظ آموزش هستند. نکته قابل ذکر اینکه شهر آستانه با

شهر است. نتایج نشان می‌دهد که در این شاخص، رضوانشهر با ۱۵۲۶۷ نفر جمعیت در وضعیت خوب و شهر فومن با ۳۰۶۰۸ نفر در وضعیت ضعیف از لحاظ آموزش هستند. نکته قابل ذکر اینکه شهر آستانه با



شکل ۵: شاخص آموزش و وضعیت آن در شهرهای مورد مطالعه.

خوب و مطلوبی نداشته‌اند. نبود شاخص خیلی خوب و عالی در طبقه‌بندی حاصل آمده، نشان از وضعیت نامناسب شاخص‌های مورد بررسی در شاخص فراگیری دارد. در حالت کلی، در چهار شهر پرجمعیت تالش، رضوانشهر، فومن و املش، این معیار در وضعیت متوسط و شهر سیاهکل با ۱۸۱۷۶ نفر جمعیت ۳۲ درصد در وضعیت خوب ارزیابی شده است (ر. ش. به جدول ۶).

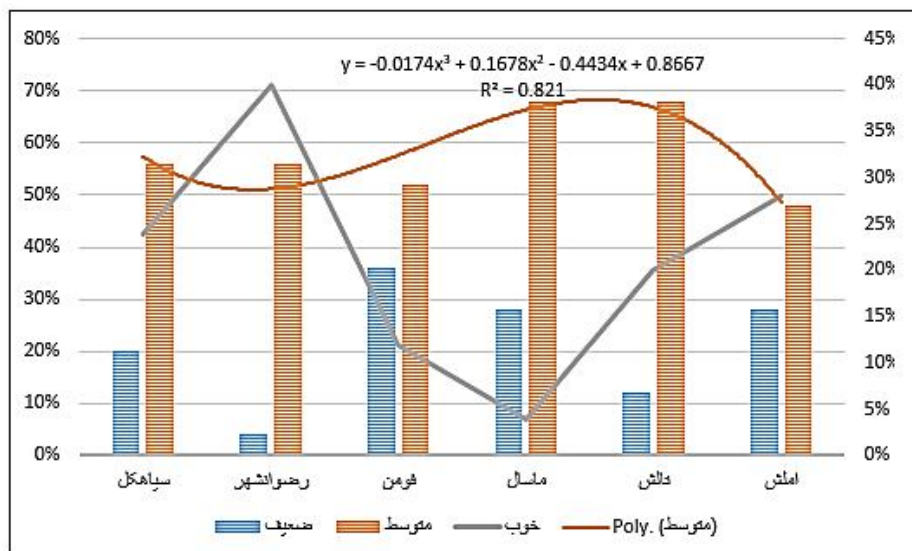
عملکرد شاخص فراگیری در کیفیت زندگی شهرهای مورد مطالعه: فراگیری و شناخت به عنوان یکی از شاخص‌های موثر در عملکرد سرمایه‌های اجتماعی شهری و کیفیت زندگی در شهرهای کوچک، در محدوده مورد مطالعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. به طوری که جدول ۵ نشان می‌دهد، به جز شهرهای سیاهکل که در سطح خوب، اثرپذیری جزئی (۳۲٪) و ماسال (۴٪) داشته‌اند، دیگر نواحی با شاخص‌های ضعیف و متوسط، عملکرد و اثرگذاری

جدول ۶: عملکرد شاخص فراگیری در شهرهای مورد مطالعه

سرمایه اجتماعی، شاخص فراگیری و کیفیت زیستی					
شهر	جمعیت	ضعیف (%)	متوسط (%)	خوب (%)	مجموع (%)
تالش	۴۰۷۲۶	۹۲	۸	۰	۱۰۰
رضوانشهر	۱۵۲۶۷	۷۶	۲۴	۰	۱۰۰
فومن	۳۰۶۰۸	۹۲	۸	۰	۱۰۰
املش	۱۴۹۱۵	۸۴	۱۶	۰	۱۰۰
ماسال	۱۴۶۸۹	۹۶	۰	۴	۱۰۰
سیاهکل	۱۸۱۷۶	۴۴	۲۴	۳۲	۱۰۰

مورد بررسی، وضعیت متوسط و ضعیف داشته‌اند. مطابق با این شکل، ضریب R^2 بدست آمده برای آنها برابر بر ۰,۸۲۱ بوده است که ضریب رگرسیون بدست آمده یعنی نزدیک بودن آن به ۱، معناداری این رابطه را تأیید می‌کند.

عملکرد شاخص آگاهی بخشی در شهرهای مورد مطالعه: شاخص آگاهی بخشی دارای زیر مجموعه‌هایی مانند، ارتباط با مسئولین، ملاقات با همسایگان، نزدیکی محل سکونت به دوستان و خویشاوندان است. بایستی گفت که مطابق شکل (۶) در یک میانگین کلی بیش از ۹۰٪ این زیر شاخص‌های



شکل ۶: شاخص آگاهی بخشی و وضعیت آن در شهرهای مورد مطالعه.

وضعیت مطلوبی از نظر این معیار بودند. به عبارت دیگر، تالش و رضوان شهر به ترتیب با ۳۶ و ۲۸ درصد، دارای وضعیت خوب از حیث سطح مهارت افراد و شهرهای فومن و سیاهکل از نظر این معیار ضعیف ارزیابی شده‌اند. جدول (۷) چگونگی توزیع این شاخص را در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد.

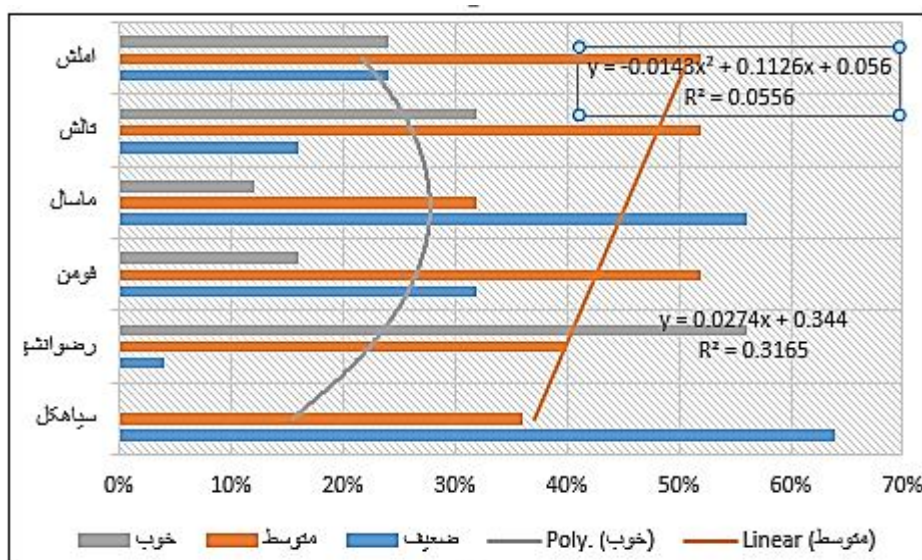
عملکرد شاخص مهارت در شهرهای مورد مطالعه: از جمله شاخص‌ها در سنجش میزان رسیدگی به محیط فیزیکی شهر و در نتیجه ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان؛ داشتن مهارت است. این شاخص در این پژوهش شامل میزان پاکیزگی و زیبایی شهر با توجه به اندازه آن می‌باشد. ارزیابی کلی نشان داد که شهرهای کوچک با جمعیت بیشتر، دارای

جدول ۷: عملکرد شاخص مهارت در شهرهای مورد مطالعه

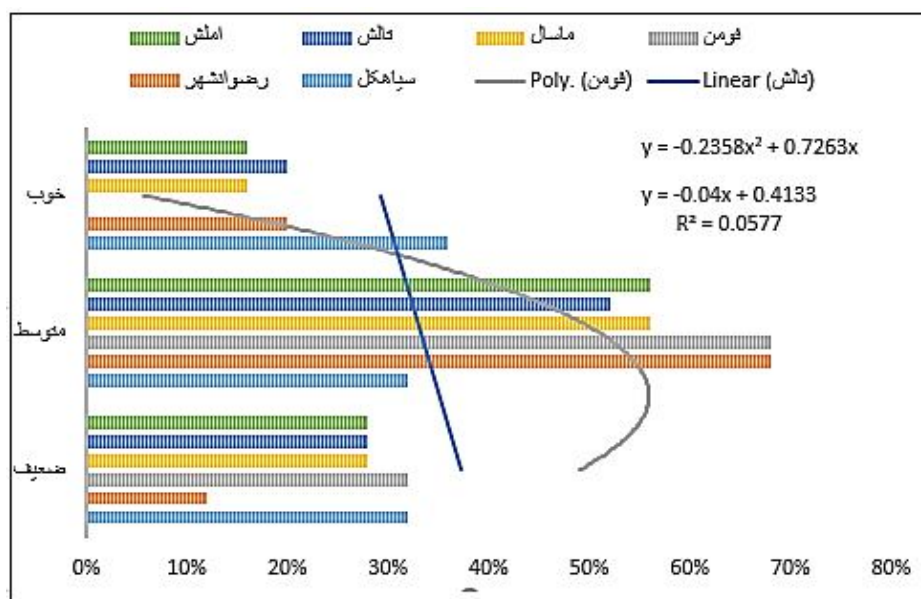
سرمايه اجتماعي، شاخص مهارت و کیفیت زیستی					
شهر	جمعیت	ضعیف (%)	متوسط (%)	خوب (%)	مجموع (%)
تالش	۴۰۷۲۶	۲۸	۳۶	۳۶	۱۰۰
رضوانشهر	۱۵۲۶۷	۰	۷۲	۲۸	۱۰۰
فومن	۳۰۶۰۸	۷۶	۲۴	۰	۱۰۰
املش	۱۴۹۱۵	۲۸	۶۴	۸	۱۰۰
ماسال	۱۴۶۸۹	۴۰	۴۸	۱۲	۱۰۰
سیاهکل	۱۸۱۷۶	۶۴	۱۶	۲۰	۱۰۰

کارشناسان شهری، در گروه شاخص‌های مطلوب حکمروایی شهری، شهر پایدار و تحقق الگوی شهر سالم قرار دارد. در این میان شهرهای سیاهکل و ماسال به ترتیب با (۵۶٪) و (۶۴٪) ضعیف‌ترین عملکرد را در زمینه شاخص اطمینان بخشی و رضوانشهر (۵۶٪) و املش (۲۴٪) مطلوب‌ترین عملکرد را داشته‌اند (شکل ۷).

عملکرد شاخص اطمینان در شهرهای مورد مطالعه: میزان اطمینان مردم از مدیران و کارشناسان شهری، در حل مسائل و اداره امور شهری از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت شهری است. اطمینان ارتباط معناداری با ارتقاء شاخص‌های کیفی در زندگی شهروندان دارد. در شهرهای محدوده مورد مطالعه نیز اهمیت این عوامل به خوبی قابل مشاهده است چرا که تحقق اطمینان از عملکرد مدیران و



شکل ۷: عملکرد شاخص اطمینان در شهرهای مورد مطالعه.



شکل ۸: عملکرد شاخص همگرایی در شهرهای مورد مطالعه.

عملکرد شاخص همگرایی در کیفیت زندگی شهرهای مورد مطالعه: شاخص همگرایی که به تحقق سطحی از وحدت اجتماعی میان نخبگان، مسئولان و شهروندان منجر می‌شود، شامل زیر شاخص‌هایی مانند پیش‌قدم بودن در انتخابات، ارتباط با دوستان در فضای مجازی، همکاری با نهادهای شهری است. همگرایی در شهرهای مورد مطالعه در حالت کلی وضعیت مطلوبی ندارد؛ با در نظر گرفتن زیر معیارها، شهر تالش در وضعیت خوب و شهر فومن با ۹۳۷۳۷ نفر جمعیت در ضعیف قرار دارند. شکل (۸) وضعیت شهرهای مورد مطالعه را به لحاظ وضعیت شاخص‌های مورد بررسی در سه طیف ضعیف، متوسط و خوب جمع‌بندی نموده و به نمایش گذاشته است. با عنایت به یافته‌های جدول (۸) می‌توان مدعی شد که بین شاخص‌های مورد بررسی در سرمایه‌های اجتماعی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. به نحوی

که این میزان برای شاخص اعتماد، همگرایی و آگاهی بخشی به ترتیب (۰,۵۸۵)، (۰,۵۳۸)، (۰,۵۱۸) در سطح بالایی از معناداری بوده است. شاخص‌هایی نظیر فراگیری (۰,۲۵۹)، اطمینان (۰,۳۲۳) و مشارکت (۰,۴۰۸) در سطح بسیار پایین‌تری از ۱+ بوده و تمایل بیشتری به سوی ۱- نشان داده‌اند؛ همچنین به استناد ضریب پیرسون برای شاخص‌های ارتقاء کیفیت زیستی و سرمایه‌های اجتماعی می‌توان گفت که بین این شاخص‌ها و مقیاس (اندازه شهرهای مورد بررسی)، ارتباط مثبتی وجود دارد به این ترتیب که هر اندازه شهر به لحاظ جمعیت و وسعت بزرگتر بودند، شاخص‌ها نیز وضعیت مطلوب‌تری داشتند و عکس این قضیه، هر چه شهرها از حیث جمعیتی، کوچکتر بودند، سرمایه‌های اجتماعی و تاثیرگذاری آنها در ارتقاء کیفیت زیستی شهرها اهمیت کمتری داشته و از درجه مطلوب بودن آن کاسته شده است.

جدول ۸: همبستگی و ارتباط معناداری سرمایه‌های اجتماعی با استفاده از آزمون پیرسون.

مشارکت	همگرایی	اعتماد	اطمینان	مهارت	آگاهی بخشی	فراگیری	آموزش	سرمایه‌های اجتماعی	شاخص‌ها
.408**	.538**	.585**	.323**	.432**	.518**	.259**	.426**	1	Pearson Correlation
									سرمایه‌های اجتماعی

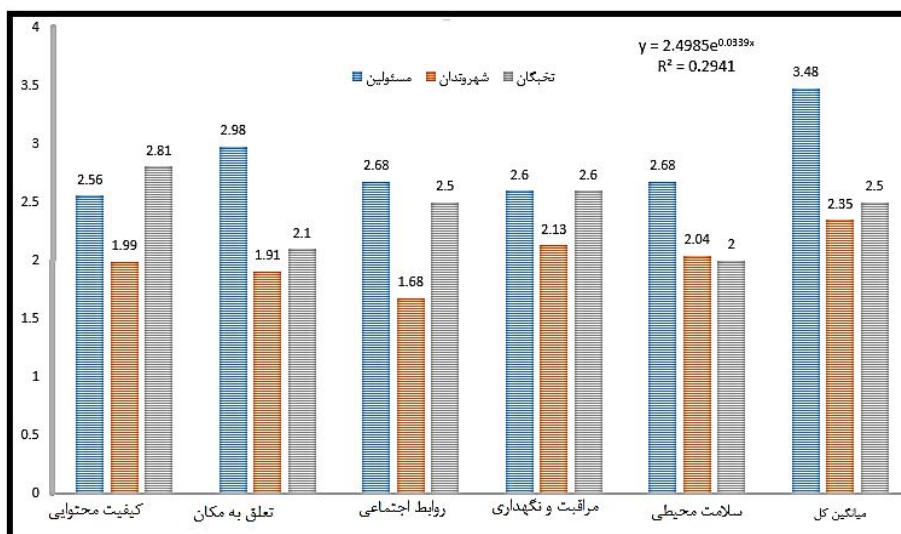
تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد (ر.ش به جدول ۹) که بین گروه‌های مختلف از لحاظ شاخص‌های سرمایه اجتماعی (F(2, 452)= 16.31, p= 0.000)، آگاهی‌بخشی (F(2, 452)= 32.39, p= 0.000)، رقابت نیروهای اجتماعی برای فضای مطلوب شهری (F(2, 452)= 17.03, p= 0.000)، قابل زیست بودن شهر (F(2, 452)= 9.07, p= 0.000)، تفاوت معناداری وجود دارد. همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود بین شهروندان و مدیران (d= -0.47, p=0.000) و بین کارشناسان و مدیران

(d= -0.42, p=0.000) از لحاظ شاخص سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد که با مراجعه به جدول میانگین‌ها می‌توان گفت میانگین سرمایه اجتماعی مسئولین بیشتر از دو گروه دیگر می‌باشد، از لحاظ شاخص رقابت نیروهای اجتماعی بین گروه‌های شهروندان و مدیران (d= -0.72, p=0.000)، شهروندان و کارشناسان (d= -0.27, p=0.008) و کارشناسان و مدیران (d= -0.44, p=0.001) تفاوت معناداری وجود دارد، که با مراجعه به جدول میانگین‌ها می‌توان گفت میانگین رقابت نیروهای اجتماعی مدیران بیشتر از دو گروه دیگر می‌باشد.

جدول ۹: نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره بر اساس گروه‌های شهری در شاخص‌های سرمایه اجتماعی

منبع	متغیرهای وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معناداری
گروه‌های شهری	سرمایه اجتماعی	۱۰/۰۱۸	۲	۵/۰۰۹	۱۶/۳۱۸	۰/۰۰۰
	آگاهی بخشی	۰/۳۸۷	۲	۰/۱۹۳	۰/۷۳۷	۰/۴۷۹
	رقابت نیروهای اجتماعی	۲۴/۴۵۰	۲	۱۲/۲۲۵	۳۲/۳۹۶	۰/۰۰۰
	قابل زیست بودن	۵/۵۰۹	۲	۲/۷۵۵	۱۷/۰۳۸	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی	۴/۹۲۸	۲	۲/۴۶۴	۹/۰۸۱	۰/۰۰۰
خطا	حکمرانی	۱۳۸/۷۵۶	۴۵۲	۰/۳۰۷		
	رقابت نیروهای اجتماعی	۱۱۸/۵۵۳	۴۵۲	۰/۲۶۲		
	تشریک مساعی	۱۷۰/۵۷۰	۴۵۲	۰/۳۷۷		
	قابل زیست بودن	۷۳/۰۷۶	۴۵۲	۰/۱۶۲		
	اعتماد اجتماعی	۱۲۲/۶۳۹	۴۵۲	۰/۲۷۱		
کل اصلاح شده	حکمرانی	۱۴۸/۷۷۵	۴۵۴			
	رقابت‌نیروهای اجتماعی	۱۱۸/۹۴۰	۴۵۴			
	بانکی بودن با رویکرد مالی	۱۹۵/۰۲۰	۴۵۴			
	قابل زیست بودن	۷۸/۵۸۵	۴۵۴			
	اعتماد اجتماعی	۱۲۷/۵۶۶	۴۵۴			

منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵.



شکل ۹: وضعیت شاخص‌های ویژگی‌های محتوایی در شهرهای مورد مطالعه.

بودن شهر از دیدگاه مدیران^۱ بیشتر از دو گروه دیگر است؛ همچنین از لحاظ شاخص اعتماد اجتماعی نیز بین گروه‌های شهروندان و مدیران ($d = -0.21$)

همچنین از لحاظ شاخص قابل زیست بودن شهر، تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های شهروندان و مدیران ($d = -0.35$, $p = 0.000$) و گروه‌های کارشناسان و مدیران ($d = -0.29$, $p = 0.001$) وجود دارد، که با مراجعه به شکل ۹ می‌توان گفت میانگین قابل زندگی

۱. در شکل ۹ این سه گروه با عنوان‌های مسئولین، نخبگان و شهروندان نوشته شده‌اند که طبق نظر استاد راهنما در این مقاله، به مدیران، کارشناسان و شهروندان ویرایش شده‌اند.

مدیریت شهری (۴،۵) می‌باشد.

تحلیل یافته‌های پژوهش بر پایه مدل سوات: بر اساس ماتریس سوات و بر حسب جامعه آماری تعریف شده و نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها، ارزش عوامل داخلی (IFE)، عوامل خارجی (EFE) و ماتریس نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدات به صورت ذیل ارائه شده است. ذکر این نکته لازم است که نمره (۱) معرف واکنش کم و نمره (۶) معرف وضعیت مطلوب می‌باشد. سپس اطلاعات و داده‌های گردآوری شده بر حسب مجموع وزن‌های بدست آمده، میانگین رتبه‌های این وزن‌ها و وزن نسبی آنها، مورد تجزیه و تحلیل و محاسبه قرار گرفته و به منظور درجه‌بندی و اولویت‌سنجی در درون گروه‌های این مدل محاسبه شده‌اند.

شهروندان و کارشناسان ($p=0.020$ ، $d=-0.23$)، گروه‌های کارشناسان و مدیران ($p=0.010$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ بنابراین، مهمترین فرصت موجود پیرامون شهرهای کوچک، سرمایه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری، به ترتیب مربوط به امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه سرمایه‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه و امکان توجه به اندازه و مقیاس شهری در برنامه‌ریزی مشارکتی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری با میانگین وزنی (۳،۸۴) و (۳،۱) است. مهمترین عامل تهدید برای تحقق الگوی مشارکت حداکثری در شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهرهای کوچک استان، اولویت نداشتن تقویت نهادهای اجتماعی شهری برای

جدول ۱۰: رتبه‌بندی و نیازسنجی نقاط قوت و ضعف سرمایه‌های اجتماعی در کیفیت زندگی شهری

رتبه‌ها	میانگین وزن‌ها	نقاط قوت
۳	۲،۲۱	تشریک مساعی و مشارکت اجتماعی شهروندان در ارتقاء کیفیت زیستی
۴	۱،۲	توانایی حل مسائل از سوی شهروندان و نهادهای مسئول در امور شهری زمانی و پایدار
۱	۴،۵	ایجاد تسهیلات برای حل معضلات زندگی شهروندان بر اساس نیازسنجی‌های انجام شده
۲	۳،۲	داشتن توجیه و پشتوانه عقلانی برای اجرایی کردن هزینه طرح‌های کیفی شهری
۱	۲،۵	شکل‌گیری نیازهای جدید در شهروندان
۳	۳،۵	توجه به تحلیل ساختار کیفی فضای شهری
۲	۳،۴	بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی برای تحریک مشارکت در ارتقاء کیفیت زیستی
۴	۳،۱	فراهم بودن سرمایه اجتماعی و سازکارهای آن در شهرهای بزرگ مورد مطالعه
۲	۳	مدیریت چندگانه شهری
۲	۴	وجود کلاس‌های یادگیری سبک‌های جدید برای کارکنان و شهروندان
۲	۳،۷	تغییر نگرش شهروندان به مباحث کیفی فضای شهری
۲	۲،۹	تعلق خاطر شهروندان به شهرهای مورد مطالعه
رتبه‌ها	میانگین وزن‌ها	نقاط ضعف
۲	۳،۸	پاسخگویی پائین مدیریت شهری و شفافیت کم قوانین و مقررات در مورد طرح‌های اجرایی و هزینه‌های آنها
۴	۳،۴	آموزش بسیار پائین شهروندان در خصوص سرمایه اجتماعی و جایگاه آن در شاخص‌های کیفیت زندگی
۲	۲،۳	اعتماد پایین اجتماعی بین شهروندان
۳	۲،۸	نبود آگاهی بخشی لازم پیرامون مسائل اجتماعی و کیفی زندگی شهری
۴	۲،۵	عدم پذیرش قوانین شهری از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی
۲	۲،۸	پائین بودن سطح زندگی و وجود معضل اشتغال در شهر
۳	۲،۱	نداشتن روحیه همکاری جمعی و تقسیم وظایف شهری
۱	۴	عدم آشنایی گروه‌های مختلف مورد بررسی ویژگی‌های کالبدی، ساختاری و محتوایی کیفی فضای شهری

جدید برای کارکنان و شهروندان با میانگین وزنی (۴) در رتبه بعدی نقاط قوت قرار گرفت (کارکنان و شهروندان). کمترین میانگین وزنی (۱,۲) در نقاط قوت داخلی مربوط به شاخص توانایی حل مسائل از سوی شهروندان و نهادهای مسئول در امور شهری زمانی و پایدار می‌باشد.

بر اساس جدول (۱۰) می‌توان دریافت که شاخص ایجاد تسهیلات برای حل معضلات زندگی شهروندان بر اساس نیازسنجی‌های انجام شده با کسب میانگین وزنی ۴,۵، مهمترین نقطه قوت داخلی در زمینه برنامه‌ریزی سرمایه‌های اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه برای ارتقاء مفاهیم کیفی زندگی شهری است. همچنین شاخص وجود کلاس‌های یادگیری سبک‌های

جدول ۱۱: رتبه بندی و نیازسنجی نقاط فرصت و تهدید سرمایه‌های اجتماعی در کیفیت زندگی شهری.

رتبه‌ها	میانگین وزن‌ها	نقاط فرصت
۴	۳,۱	امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه سرمایه‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه.
۳	۲,۸	تلاش برای ایجاد مدیریت واحد شهری به عنوان فرصتی منحصر به فرد برای توسعه آتی و تصمیم‌سازی مطلوب با ضمانت اجرایی بالا.
۲	۳,۴	امکان دادن آگاهی بخشی و آموزش لازم به شهروندان به منظور تقویت سرمایه‌های اجتماعی.
۱	۲,۸۷	امکان استفاده هر چه بیشتر از شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و هم‌زبانی به منظور تقویت همگرایی شهری.
۲	۲,۵	امکان استفاده از تجربه‌های شهروندان ساکن در شهرها برای ارتقاء کیفی با توجه به شراکت اجتماعی.
۱	۱,۷۵	امکان برنامه‌ریزی برای سرمایه‌های اجتماعی متناسب با ساز و کارهای اداری و مدیریتی هر شهر.
۴	۳,۸۴	امکان توجه به اندازه و مقیاس شهری در برنامه‌ریزی مشارکتی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری.
رتبه‌ها	میانگین وزن‌ها	نقاط تهدید
۴	۴,۵	اولویت نداشتن تقویت نهادهای اجتماعی شهری برای مدیریت شهری.
۴	۳,۱	عدم توجه به برنامه‌ریزی برای تقویت سرمایه‌های اجتماعی در فضاهای مورد بررسی.
۳	۳,۴	عدم تمایل گروه‌های مختلف شهری و قومی برای تشکیل مدیریت واحد شهری که منافع آنها در آن مورد توجه قرار نگرفته باشد.
۲	۳,۶	فرار سرمایه‌های اجتماعی از شهرهای کوچک استان.
۳	۲,۱	عدم زمینه سازی برای مشارکت واقعی شهروندان در اداره امور شهر.
۳	۲	بی‌توجهی به سازوکارهای فیزیکی، محتوایی و ساختاری فضاهای شهری کوچک.
۲	۳,۱	ناهمسویی شورای شهر و شهرداری و نخبگان شهری و شهروندان در راستای افزایش کیفیت زیستی فضای شهری.

الگوی مشارکت حداکثری سرمایه‌های اجتماعی در کیفیت زندگی شهرهای کوچک استان گیلان بر اساس جدول فوق، اولویت نداشتن تقویت نهادهای اجتماعی شهری برای مدیریت شهری (۴,۵) می‌باشد.

بحث و تحلیل یافته‌ها

نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین گروه‌های مختلف از لحاظ شاخص‌های سرمایه

می‌توان گفت با توجه به جدول (۱۱) مهمترین فرصت موجود پیرامون شهرهای کوچک، سرمایه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری، به ترتیب مربوط به امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه سرمایه‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه و امکان توجه به اندازه و مقیاس شهری در برنامه‌ریزی مشارکتی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری با میانگین وزنی (۳,۸۴) و (۳,۱) است. مهمترین عامل تهدید نیز بر سر راه تحقق

توسعه یکپارچه (آمایش) سرزمینی است و به این اعتبار فرضیه اول پژوهش تأیید شد. هر چند تحقق استانداردهای مطلوب در این زمینه، نیازمند انجام مطالعات اساسی در این موضوع، اهتمام مسئولان سازمان شهرداری‌ها، مسئولین و نمایندگان مردم در شورای شهری و مشارکت شهروندان است.

از آنجایی که در زمینه شاخص‌های سرمایه اجتماعی (آگاهی بخشی، تعامل نیروهای اجتماعی برای تحقق فضای مطلوب شهری، قابل زیست بودن شهر)، تفاوت‌های معناداری میان گروه‌های انسانی شهرهای مورد مطالعه وجود داشته است، در مورد فرضیه دوم (نهادهای مدیریتی و اداری در شهرهای مورد مطالعه از طریق تدوین قوانین مشارکتی بهتر برای سرمایه‌های اجتماعی، ارتقاء شاخص‌های کیفی زیستی و...، سبب بهبود اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر روی کیفیت زیستی این شهرها می‌شوند) بایستی اشاره نمود که در حال حاضر برخی قوانین و سازوکارهای اداری و مدیریتی در سطح پایین، تا حدودی زمینه‌ساز مشارکت و شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی شهروندان در شهرهای مورد مطالعه بوده‌اند، اما تدوین و اجرای قوانین مختص ارتقای مشارکت برای سرمایه‌های اجتماعی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی در این شهرها، ضرورت دارد. به این اعتبار فرضیه دوم نیز تأیید شد.

در تحلیل فرض سوم پژوهش، به اتکاء یافته‌های تحقیق بین اندازه شهرها و متغیرهای مورد بررسی آن ارتباط مستقیم وجود دارد، به این اعتبار که هر چه شهرهای مورد مطالعه از اندازه جمعیتی بیشتری برخوردار بوده‌اند، متغیرهای کیفی و سرمایه‌ای نیز از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بودند. به عبارت دیگر، بین مقیاس کوچک جمعیت شهر و شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی و در نتیجه بهبود کیفیت زیستی، ارتباط معکوسی وجود داشته است؛ در حالی که تا قبل از انجام این پژوهش، عکس این موضوع تصور می‌شد؛ زیرا معتقد بودند در مکان‌هایی که شبکه اجتماعی قوی تری وجود دارد و مردم نیز دستخوش تغییرات زندگی تجاری و صنعتی نشده‌اند و یا از یک

اجتماعی ($F_{(2, 452)} = 16.31, p = 0.000$)، آگاهی‌بخشی ($F_{(2, 452)} = 32.39, p = 0.000$)، تعامل نیروهای اجتماعی برای فضای مطلوب شهری ($F_{(2, 452)} = 17.03, p = 0.000$)، قابل زیست بودن شهر ($F_{(2, 452)} = 9.07, p = 0.000$) تفاوت معناداری وجود دارد؛ همچنین بین شهروندان و مسئولین ($d = -0.47, p = 0.000$) و بین نخبگان و مسئولین ($d = -0.42, p = 0.000$) از لحاظ شاخص سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد که با مراجعه به جدول میانگین‌ها می‌توان گفت میانگین سرمایه اجتماعی مسئولین بیشتر از دو گروه دیگر است، از لحاظ شاخص تعامل و همکاری نیروهای اجتماعی بین گروه‌های شهروندان و مسئولین ($d = -0.72, p = 0.000$)، شهروندان و نخبگان ($d = -0.27, p = 0.008$) و نخبگان و مسئولین ($d = -0.44, p = 0.001$) تفاوت معناداری وجود دارد، که با مراجعه به جدول میانگین‌ها می‌توان گفت میانگین رقابت نیروهای اجتماعی مسئولین بیشتر از دو گروه دیگر می‌باشد؛

همچنین طبق نتایج مدل سوات، مهمترین فرصت‌ها برای شهرهای کوچک، سرمایه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی در آنها، به ترتیب مربوط به امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه سرمایه‌های اجتماعی در آنها و امکان توجه به اندازه و مقیاس شهری در برنامه‌ریزی مشارکتی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری با میانگین وزنی (۳،۸۴) و (۳،۱) است. مهمترین عامل تهدید نیز در راه تحقق الگوی مشارکت حداکثری سرمایه‌های اجتماعی در کیفیت زندگی شهرهای کوچک استان گیلان بر اساس جداول حاصله، اولویت نداشتن تقویت نهادهای اجتماعی شهری برای مدیریت شهری (۴،۵) است.

در راستای نتایج بدست آمده و تحلیل‌های صورت گرفته در جریان پژوهش، بین شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی با متغیرهای کیفیت زیستی در شهرهای کوچک مورد مطالعه ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد که بیانگر اهمیت این ارتباط پایه‌ای در تقویت و پیشرفت همه جانبه شهرهای کوچک (معمولا فراموش شده) در کشور و همچنین ساز و کاری برای تحقق

می‌کنند که از جانب دولت کمک‌هایی دریافت می‌کنند در نتیجه تمایل مردم این شهرها به مشارکت و مسئولیت‌پذیری در نظارت بر امور و یا بر کیفیت زندگی بسیار پایین است. نکته مهم دیگر اینکه در شهرهای مورد مطالعه، سرمایه اجتماعی درون و بین گروهی نه تنها تقویت نشده بلکه تضعیف هم شده‌اند. بنظر می‌رسد از نتایج ترویج نوگرایی کاذب در جوامع کوچک روستایی است که به تدریج از سنت به مدرنیته تغییر سبک و روابط داشته‌اند. به عبارت دیگر، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی که در مدت طولانی در این سکونتگاهها شکل گرفته، به سرعت کم‌رنگ شده و پدیده یا سرمایه مردمی دیگری جایگزین آن نشده است.

از این رو به منظور تقویت روحیه و زیرساخت‌های انسانی برای تشکیل سرمایه اجتماعی و بهبود شاخص‌های کیفیت زیستی، پیشنهادهایی قابل بررسی است:

۱. آموزش و ارتقای آگاهی‌های مردمی در زمینه تشریح مساعی و مشارکت اجتماعی - فرهنگی در ارتقاء کیفیت زیستی؛
۲. بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و نهادهای محلی برای تحریک مسئولیت و مشارکت آنها در ارتقاء کیفیت زیستی؛
۳. تنظیم و اجرای برنامه‌هایی برای افزایش ضریب تعلق خاطر شهروندان به شهر خود و افزایش میزان اثرگذاری سرمایه‌های اجتماعی؛
۴. تلاش برای یکپارچگی و هماهنگی‌ها در مدیریت شهری به عنوان فرصتی منحصر به فرد برای توسعه آتی و تصمیم‌سازی مطلوب با ضمانت اجرایی بالا؛
۵. فرهنگ سازی، آموزش و استفاده هرچه بیشتر از شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و هم‌زمانی به منظور تقویت همگرایی شهری؛
۶. توجه به اندازه جمعیتی شهری در برنامه‌ریزی مشارکتی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری.
۷. همسویی و هماهنگی بیشتر میان شورای شهر، شهرداری، نخبگان شهری و شهروندان در راستای افزایش کیفیت زیستی فضای شهری.

بافت روستایی برخوردارند، سرمایه اجتماعی قوی‌تر است (رش به: توکلی و تاج‌بخش، ۱۳۷۸) و این برخلاف نتایج این پژوهش است؛ اینکه چه دلایلی برای این واقعیت وجود دارد، نیازمند انجام مطالعات دقیق‌تری است.

شاید بتوان گفت نتایج پژوهش حاضر تا حدودی با نتایج پژوهش دیگری در سال ۱۳۸۷ همخوانی دارند که نشان داده سیاست‌های توسعه‌ای در ایران، به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است ولی در کشورهای توسعه یافته، بین توسعه و شاخص‌های سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، یعنی در مکانی که توسعه یافته تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد (رش به: موسایی و دیگران، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

از آنجا که با گذر زمان، مؤلفه‌های زندگی شهری با تغییر مواجه اند و جمعیت آنها نیز در حال افزایش است، رشد و تحولات انسانی در چارچوب مفهوم سرمایه‌های اجتماعی و تأثیر آنها در زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در شهرها نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. شهر به مثابه ارگانسمی است که چه از لحاظ کالبدی و زیستی و چه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در هر دوره‌های پیچیده‌تر می‌شود و به نقطه آرمانی خود یعنی تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی از سویی و از سوی دیگر به انتظام و ساختارهای فضای شهری و شکل‌گیری کالبدی متناسب با نیازهای زیستی شهر نزدیکتر می‌شود؛ موضوعی که به تدریج ضرورت تبیین و تحلیل سرمایه اجتماعی را در جوامع شهری اعم از کوچک و بزرگ مطرح کرده است.

طبق نتایج این پژوهش، می‌توان گفت شهرهای بسیار کوچک در کشور، در زمینه تشکیل سرمایه‌های اجتماعی موفقیت چندانی ندارند. از آنجایی که گسترش شبکه‌های غیر رسمی مردم نهاد یکی از مولفه‌های مهم در تشکیل سرمایه‌های اجتماعی است ولی این شبکه‌ها در شهرهای مورد مطالعه اغلب دولتی یا شبه دولتی هستند و تا زمانی فعالیت

- استان مازندران، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره ۱۲، تابستان. صص. ۷۹-۱۰۰.
۱۱. رفعیان، مجتبی. ۱۳۸۶. سالمندان و ضرورت آمایش فضاهای شهری. همایش سالمندان، دانشکده بهزیستی و توان بخشی: ص ۶۳.
 ۱۲. سعادت، رضا. ۱۳۸۵. کیفیت زندگی و انقلاب دیجیتال، انتشارات آینده نگر.
 ۱۳. فنی. زهره و اشرف السادات باقری. ۱۳۹۴. شهرهای کوچک و میانی (برنامه ریزی و توسعه)، تهران: سمت، چاپ اول.
 ۱۴. لنگ، برایان. ۱۳۸۱. برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای رویکرد سیستمی، ترجمه فرح حبیب، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
 ۱۵. موسایی، میثم و سعید راعی صدقیانی. ۱۳۸۷. سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: طرح یک نگرش نوین، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۷: صص ۵۷-۷۵.
 16. Ayres, H. 2010. Development of a Conceptual Framework for Sustainability Indicators Used in Structure Planning, Land Environment and People Research Report, No 13.
 17. Bell D., and Jane, M. 2006. Small Cities: urban life beyond the metropolises; London: Rutledge.
 18. Bourdieu, P. 1985. The forms of capital, in: John G. Richardson (ed). Handbook of theory and research for the sociology of education. New York: Greenwood press. P.241-258.
 19. Brehn, T., and Rahn, E. 1997. A critical review on lithium-air battery electrolytes. Physical Chemistry Chemical Physics, 16(7): 2801-2822.
 20. Field, J. 2003. Social capital, Rutledge press. London & New York.
 21. Gill, B. 2002. Strategic planning, International Journal of Sustainable Development and World Ecology.
 22. Putnam, Robert D. 2000. Bowling alone: the collapse and revival of American community, New York.
 23. Rubenstein, G. 2010. The digital divide problem: An economic interpretation of the Japanese experience, Telecommunications Policy.
 24. Wallis, J., and Killerby, P. 2004. "Social Economics and Social capital; International journal of social Economics, 31 (3): 239-258.
- منابع
۱. الوانی، سیدمهدی و شیروانی، علیرضا. ۱۳۸۰. سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مدیریت، شماره ۳-۳۳.
 ۲. براتی، ناصر، یزدان پناه شاه آبادی، محمدرضا. ۱۳۹۰. بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: شهر پردیس)، جامعه پژوهی فرهنگی سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۰ شماره ۱.
 ۳. توکلی، مرتضی و کاظم تاجبخش. ۱۳۷۸. بررسی و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان. صص. ۱۴۳-۱۶۲.
 ۴. حسنوی، رضا. پزشکان، امیر. ۱۳۸۶. تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه. مدیریت فردا « نیمه اول ۱۳۸۶ - شماره ۱۷.
 ۵. حیدری، اکبر. ۱۳۹۱. تحلیل تحولات فضایی- کالبدی شهر سقز با استفاده از الگوی رشد هوشمند شهری. جغرافیا و توسعه شهری. سال اول، شماره دوم. صص ۲۰ تا ۲۷.
 ۶. خاکپور، براتعلی. کاظمی بی‌نیاز، اسدی. رضوی، محمد محسن. ۱۳۸۵. تحلیل فضای سبز شهری و تعیین مکان بهینه با استفاده از مدل محاسبگر رستری (نمونه موردی: منطقه سه شهرداری مشهد). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۷(۲): ۱۱۷-۱۲۹.
 ۷. خوشفر، غلامرضا و رضا بارگاهی و شهاب کرمی. ۱۳۹۲. سرمایه اجتماعی و پایداری شهری: گرگان، فصلنامه مطالعات شهری: شماره ۸، پاییز. صص ۳۰-۴۶.
 ۸. داداش پور، رحیم. حسینی، ناصر. جرودی، علی. ۱۳۸۹. فضا شهری و کیفیت زندگی، مروری بر رویکردها. انتشارات سیمرغ، تهران. چاپ اول.
 ۹. دیوسالار، اسداله، زهره فنی، رحمت‌اله فرهودی و صادق برزگر. ۱۳۹۳. روش شناسی انتخاب شاخص‌های سنجش پایداری در شهرهای کوچک با تاکید بر استان مازندران، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان. صص. ۱۷-۳۲.
 ۱۰. دیوسالار، اسداله، زهره فنی، رحمت‌اله فرهودی و صادق برزگر. ۱۳۹۳. الف. ارزیابی سنجش‌های پایداری در شهرهای کوچک. مطالعه موردی: شهرهای کوچک